



سیاست

رهبر انقلاب با پیشنهاد ۱۲ بندی رئیس قوه قضائیه برای اقدامات ویژه و برخورد با اخلا لگرن اقتصادی موافقت کردند

آغاز برخورد ضربتی با مفسدان اقتصادی

۸- هرگونه تعلیق و تخفیف نسبت به مجازات اخلا لگران و مفسدان اقتصادی ممنوع است. ۹- در کلیه موارد رسیدگی به جرائم مذکور در صورت وجود دلایل کافی به تشخیص قاضی دادسرا یا دادگاه حسب مورد قرار بازداشت موقت تا ختم رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر می‌شود. این قرار غیرقابل اعتراض در مراجع دیگر خواهد بود. هر گونه تغییری در قرار، توسط دادگاه رسیدگی کننده صورت می‌پذیرد. ۱۰- آرای صادره از این دادگاه به‌جز اعدام، قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد. احکام اعدام یا مهلت حداکثر ۱۰ روز قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد. ۱۱- آیین‌نامه اجرایی این مصوبه توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تصویب می‌شود. ۱۲- این مصوبه برای مدت دو سال از تاریخ تصویب معتبر می‌باشد. والامر الیکم والسلام‌علیکم ورحمه... ویرکاته صادق آملی لاریجانی



۱۳۹۲ با رعایت موارد ذیل اقدام نماید. ۱- حسب مفاد تبصره ۶ ماده ۲ قانون مذکور شعبی از دادگاه انقلاب اسلامی را با ترکیب سه نفر قاضی با حداقل ۲۰ سال سابقه قضایی (یک نفر رئیس و دو مستشار) تشکیل دهد. رسمیت دادگاه با حضور دو نفر از اعضا خواهد بود. ۲- محل استقرار این شعب در تهران می‌باشد و کلیه پرونده‌های مرتبط، توسط معاون اول قوه قضائیه به آن شعب ارجاع می‌شود و با تشخیص رئیس قوه قضائیه حسب ضرورت در مراکز استان‌ها نیز قابل تشکیل است. ۳- به تشخیص رئیس دادگاه جلسات علنی و قابل انتشار در رسانه‌ها می‌باشد. ۴- کلیه مواعد قانونی لازم‌الرعایه مندرج در آیین دادرسی از قبیل ابلاغ و اعتراض حداکثر ۵ روز تعیین می‌شود. ۵- مفاد تبصره ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص وکیل، در دادگاه نیز مجری خواهد بود. ۶- هر گاه ضمن رسیدگی در دادگاه نقص تحقیقاتی احراز شود دادگاه می‌تواند رأسنیز نسبت به تکمیل تحقیقات اقدام نماید. ۷- کلیه اتهامات اشخاص حقوقی و کشوری و لشکری مرتبط با پرونده ارجاعی اعم از مباشر، شرکا و معاونین در یک شعبه رسیدگی می‌شود.

رئیس قوه قضائیه در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به شرایط ویژه اقتصادی و جنگ اقتصادی دشمنان علیه ملت ایران و انجام برخی جرائم از سوی عده‌ای از اخلا لگران و مفسدان اقتصادی در این شرایط همسو با اهداف دشمنان، درخواست کرد اجازه اقدامات ویژه در برخورد قاطع و سریع در چارچوب قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور و قانون مجازات اسلامی داده شود. در این نامه پیشنهاد شده است که هرگونه تعلیق و تخفیف مجازات اخلا لگران و مفسدان اقتصادی ممنوع است. رهبر انقلاب اسلامی با این پیشنهاد موافقت و تاکید کردند: «مجازات مفسدان اقتصادی سریع و عادلانه انجام گیرد.» متن درخواست رئیس قوه قضائیه و پاسخ رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

گفت‌وگو

گفت‌وگو «فرهنگ‌یختگان» با پژوهشگر تاریخ جنگ تحمیلی حسین لشکری چگونه سیدالاسرا شد؟



آغاز کند. اما این کار را نکرد و ۱۸ سال از زندگی اش را که می‌توانست بهترین سال‌های عمرش باشد، ترجیح داد در سلول انفرادی زندان رژیم بعث صدام بماند.

صحبت از این شهید بزرگوار برای نسل امروز چه فایده‌هایی می‌تواند داشته باشد؟

امروز که صحبت از عزت و مردانگی و پایمردی برای حفظ تمامیت ارضی کشور در مقابل تهدیدات دائمی دشمن است، باید از حسین لشکری‌ها بیشتر صحبت شود. اینها تا بودند هم گمنام بودند. مردم نباید این بزرگمردان را فراموش کنند. لشکری کسی بود که رهبر معظم انقلاب او را سیدالاسرا نامید. خیلی‌ها گفته‌اند که او ۱۸ سال اسیر بود اما هیچ‌کس نگفت که او چرا ۱۸ سال اسیر بود. هیچ‌کس نگفت که چرا وقتی همه اسرا را ایرانی بعد از قطعنامه ۵۹۸ آزاد شدند، چرا حسین لشکری آزاد نشد. هیچ‌کس نگفت که چرا عراق حتی اسم حسین لشکری را به صلیب سرخ جهانی هم اعلام نکرد. مردم ما اینها را نمی‌دانند. خیلی‌ها حتی اسم حسین لشکری را هم نشنیده‌اند. جمهوری اسلامی هنوز هم حسین لشکری‌هایی دارد که پای آرمان‌هایشان بمانند. دیروز صدام و رژیم بعث، امروز هم ترامپ و آمریکا. حسین لشکری ۱۸ سال تمام، درد کشید، غرب دید، شکنجه شد و عذاب کشید اما حاضر نشد به امامش پشت کند. ۲۸ ساله رفت و پیرمرد برگشت. دختر چهار ماهه‌اش را گذاشت و وقتی برگشت دخترش سال اول دانشگاه بود. او قد کشیدن دخترش را ندید، چرا؟ چون به‌خاطر همین مردم. پس از ۱۸ سال مفقود بودن هم وقتی قدم به خاک ایران گذاشت پرچم ایران به دست گرفت و خاک ایران را بوسید. من افتخار می‌کنم که دست لشکری را بوسیده‌ام. کاری که او کرد بی‌بديل است و مشابه ندارد. امروز که دامن اخبار جدیدتری از فسادهای و زدنی‌ها می‌شنویم نمی‌دانم که این سارکان‌ها هنوز روز قیامت چگونه در چشمان امتثال حسین لشکری‌ها نگاه خواهند کرد. امروز روزی است که باید به نسل جوان‌مان بگوییم که لشکری چرا ۱۸ سال اسارت کشید. باید از او یاد بگیریم که اگر شرایطمان سخت شد یا مشکلات مالی پیدا کردیم، نباید به مملکت‌مان پشت کنیم و ناسزا بگویم. هنوز آفندری از شهادت نگذشته است که او را به تاریخ معاصر بسپاریم. او هنوز زنده است و حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. کافی است بخوانیم که حرف‌هایش را بشنویم.

دلیل اهمیت شهید لشکری برای رژیم بعث عراق چه بود؟

لشکری اهمیت بسیار زیادی برای شخص صدام می‌خواست از او به‌عنوان سندی زنده برای این جنگ را آغاز کرده استفاده کند. جنگ جمهوری اسلامی با رژیم بعث عراق، درست چهار روز بعد از اسارت این حسین لشکری بود که صدام رسماً جنگ را آغاز کرد و شهرهای ایران را بمباران کرد. صدام فقط یک جمله از لشکری می‌خواست و آن جمله این بود: «اینجانب، ستوان یکم خلیان، حسین لشکری، در تاریخ ۲۷ شهریور ۵۹ در خاک عراق سقوط کردم.» به او گفته بودند اگر این جمله را در مقابل دوربین بگوید، او را به آمریکا می‌فرستند و شرایط رفاهی و امنیتی کاملی برای او ایجاد خواهند کرد و میلیون‌ها دلار به او پرداخت می‌کنند. او هم آدمی نبود که خارج ندیده بود. او در آمریکا آموزش دیده بود و مهارت‌های پرواز را در آمریکا آموخته بود و خوب می‌دانست زندگی با رفاه کامل در آمریکا یعنی چه. اما پای امامش ماند و با وجود همه شکنجه‌های سختی که انجام می‌شد، لحظه‌ای از منافع نظام اسلامی عقب‌نشین نکرد. لشکری این جمله را نگفت چون واقعا وارد مرز هوایی عراق نشده بود و صفا در جدار مرزی پرواز کرده بود. دلیل سقوط هواپیما هم منهدم شدن آن بر اثر موشکی بود که خود بعضی‌ها پرتاب کرده بودند. او خودش را سرباز این کشور می‌دانست. اصول سربازی را هم بلد بود. معنای سرباز هم مشخص است؛ یعنی کسی که در دفاع از وطنش سرش را می‌دهد. او حاضر بود سرش را بدهد ولی اعتقادش را نه. او با گفتن یک جمله کوتاه، خودش را از ۱۸ سال شکنجه نجات دهد و در وفور امکانات و رفاه دنیوی در آمریکا زندگی جدیدی را



جمعه‌ای که گذشت سالروز شهادت سرلشکر حسین لشکری بود. غالباً شهید لشکری را با ۱۸ سال اسارتش می‌شناسند، در مورد او برابمان بگویید.

حرف زدن در مورد شهید لشکری خیلی سخت است و کار هرکسی نیست. او پای قسم سربازی‌اش ایستاد و در مقابل دشمنان اسلام سر خم نکرد. او با بیان یک جمله کوتاه به راحتی می‌توانست سزوش خود را عوض کند و از زندان انفرادی رژیم بعث عراق، به سطحی از رفاه دنیوی برسد که بسیاری از آمریوی‌ها حتی نمی‌توانند تصورش کنند. جمعه‌ای که گذشت، نهمین سالروز شهادت سردار سرلشکر شهید حسین لشکری بود. در سکوت خبری، هیچ‌رسانه‌ای به آن نپرداخت. ما هزاران شهید در جریان دفاع مقدس و جنگ تحمیلی هشت ساله داشتیم. مردان بزرگی که می‌توان گفت گمنام‌ترین آنها بزرگ‌ترین آنها بود. چه بسیجی، چه امیر و چه سردار! برخی شهیدا کارهایی برای این کشور کرده‌اند که منحصربه‌فرد است. حسین لشکری یکی از اینها بود. او را کاری کرد که از دست کمتر کسی برمی‌آید.

لشکری چگونه اسیر شد؟ چند روزی بود که برای مرخصی به شهرشان یعنی قزوین رفته بود. اما ۲۲ شهریور ۵۹ بود که با حضور پایگاه هوایی محل خدمت، دوباره به خط پرواز باز می‌گردد تا خود را برای عملیاتی مهم آماده کند. پنج روز بعد، یعنی ۲۷ شهریور ۵۹ اخباری مبنی بر حضور تعدادی از نظامیان بعثی در نقطه صفر مرزی به مرکز فرماندهی می‌رسد. لازم بود که یک پرواز شناسایی انجام شود و با تصویربرداری از منطقه اطلاعات دقیقی را به دست آورد. حسین لشکری مامور به انجام این عملیات می‌شود و با یک فروند هواپیمای RF5 که مخصوص تصویربرداری است در جدار مرزی به پرواز درمی‌آید. دقایقی از آغاز عملیات نگذشته است که بعضی‌ها هواپیمای او را مورد هدف قرار داده و منهدم می‌کنند. او اما موفق می‌شود خود را سالم از هواپیما خارج کند. البته این پایان ماجرا نبود و این اتفاق آغازی بود بر سال‌ها اسارت وی در چنگال خونین رژیم بعث؛ اسارتی ۱۸ ساله، ۲۷



می‌دانید ۶۴۱۰ روز اسارت یعنی چه؟ می‌دانید ۱۶ سال گذران عمر در سلول‌های انفرادی رژیم بعث چه طعمی دارد؟ برای یافتن پاسخ این سوالات فقط سراغ یک نفر را می‌توان گرفت. کسی که فرمانده کل قوا لقب سید الاسرای ایران را به او داد. ۳۸ سال پیش مردی همسر جوان و فرزند چهارماهه‌اش را رها می‌کند و برای انجام مأموریتی عازم مناطق مرزی جنوبی کشور می‌شود. همانجا که چندی است خبر می‌رسد ارتش رژیم بعث تحرکاتی را آغاز کرده و خواب‌هایی برای خوزستان و سایر بخش‌های ایران دیده. ۲۷ شهریور ۵۹ درست چهار روز پیش از حمله نظامی عراق به ایران، خلیان حسین لشکری برای عملیات شناسایی عازم منطقه شد؛ عملیاتی که البته با شلیک موشک به هواپیمای وی ناتمام ماند. همین مساله باعث شد لشکری مجبور به تیک‌آف شود و نهایتاً به‌طور ناخواسته در خاک عراق فرود آید. فرود اجباری‌ای که به اسارت در دست نیروهای بعثی منتهی شد. اسارتی که از همان روز آغاز شد و تا ۱۸ فروردین ۷۷ ادامه یافت. آن‌طور که سرهنگ شاداب عسگری از دوستان شهید لشکری می‌گوید، لشکری اهمیت بسیار زیادی برای شخص صدام داشت. از این نظر که صدام می‌خواست از او به‌عنوان سندی زنده بهره‌برده و ایران را را آغازگر جنگ معرفی کند. به بیان دقیق‌تر صدام فقط یک جمله از لشکری می‌خواست و آن جمله این بود: «اینجانب، ستوان یکم خلیان، حسین لشکری، در تاریخ ۲۷ شهریور ۵۹ در خاک عراق سقوط کردم.» به او گفته بودند اگر این جمله را در مقابل دوربین بگوید، او را به آمریکا می‌فرستند و شرایط رفاهی و امنیتی کاملی برای او ایجاد خواهند کرد و میلیون‌ها دلار به او پرداخت می‌کنند. لشکری اما اول این بده‌بستان‌ها نبود. او تن به این خواسته نداد چون صفا در جدار مرزی پرواز کرده و وارد مرز هوایی عراق نشده بود. همین باعث شد تا شکنجه‌های سختی را که به جانبازی ۷۰ درصدی‌اش منجر شد هم به جان بخرد، اما تن به تسلیم ندهد. به مناسبت سالروز شهادت شهید حسین لشکری با سرهنگ شاداب عسگری بازنشسته ارتش و از پژوهشگران مرکز اسناد انقلاب اسلامی به گفت‌وگو پرداختیم و پای صحبت‌های او درباره زندگی، اسارت و شهادت سیدالاسرای ایران نشستیم. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

نگاه

چرا باید به دولت کمک کرد؟

عربی در بغداد دیناری به خباز داد تا او را یک نوبت از نان سیر کند و خود بر کنار دجله نشست. نانوا چندین راه نان بدو داد و او هر بار بخورد و باز مطالبه کرد. نانوا گفت ای سبحان...! آخر مرا نگویی تا چند نان خوری؟ عرب اشاره به رود کرده و گفت: «تا این آب می‌رود، من نیز نان می‌خورم!»

این شرحی است که مرحوم علی اکبر دهخدا در کتاب امثال و حکم راجع به ضرب‌المثل «تا این آب می‌رود، من نیز نان می‌خورم» نوشته است. این حکایت جریان‌ات سیاسی مدافع یا جیره‌خوار دولت دکتر روحانی است که در تلاطم سکه و التهاب دلار و سرطان مسکن، نان خود می‌خورند و قهقهه مستانه سر می‌دهند.

تا کسبی داری می‌گفت دلار از ۱۰ هزار تومان هم رد شد و عجیب است که ما هنوز بی‌خیالیم! البته این فضیلت دوست‌داشتنی ملت مظلوم ایران است که در سختی‌ها نمی‌شکند و با صبوری و متانت، خود را حفظ می‌کند. اما در شگفتیم از برخی دانه‌درشت‌های سیاست و رسانه، که هنوز با استقامتی مثال‌زدنی جریان سیاسی رقیب دولت را منهدم به خرابکاری می‌کنند، اما در عوض دولت را آبرومند و کاردان و منجی تصویر می‌کنند. آنها برای برون‌رفت از مشکلات، روزی سه بار نسخه‌سازش با آمریکا را تجویز و با حرفه‌ای‌گری، فضای سیاسی رسانه‌ای را چنان غبارآلود و مبهم مدیریت می‌کنند که اگر امروز هم دوباره دکتر حسن روحانی کاندیدای یک رقابت سیاسی شود، مردم به او رأی بدهند؛ البته با این ترفند معجزه‌گر که رأی‌دهندگان را از رقیب ناشناخته بترسانند و چنان هیولایی از اصل‌گرایان تصویر کنند که مردم یقین کنند بازگشت آنان فاجعه آخرالزمانی یا جنگ آرمگدون را رقم خواهد زد!

اما به راستی باید چه کرد که توده رأی‌دهندگان به روحانی و غیرروحانی، از سیاست‌های شکست‌خورده گروه‌های سیاسی غرب‌گرا و سازشکار شناخت کاملی پیدا کنند و دیگر بار فریب رقیب‌هراسی‌های این جریان متبوع (بخوانید نامطبوع) را نخورند؟! شاید لازم است مردمان - یعنی هم من و هم شما - به عبرت‌های سیاسی اعتنای کامل داشته باشیم تا در نوبت‌های بعدی، رأی‌های عادلانه‌تری را به صندوق واریز کنیم. مثلاً به وضوح ببینیم که جریان اصلاحات و کارگزاران و تدبیر و امید به خاطر هر چیزی دولت پیشین را منکوب و مسخره کردند و به واسطه آن از مردم رأی ستانندند، امروز درست همان‌ها بر سر خودشان آمده است؛ از حکایت جشمید بس... و سلطان سکه و قیمت لحظه‌ای ارز گرفته تا رانت و فساد و بی‌انضباطی و قطعی برق و فحاشی‌های آمریکا و بی‌اعتبار شدن پاسپورت و پول ایرانی!

باید بر سر در کاخ سیاست ایرانی این جمله را طلاکوب کرد که گفته‌اند دیگران را به خاطر اشتباهات‌شان مسخره نکنید، چون نخواهید مرد، پیش از آنکه خودتان هم مرتکب همان اشتباهات شوید. حالا دولت مدعی که عالم و آدم را در ایام رقابت‌های انتخاباتی به سخره گرفته بود به چنان ابتلا و گرفتاری‌ای دچار شده که آن طرفش ناپیدا است.

کماکان روحانی، کمتر مصاحبه می‌کند و کمتر در ملاً‌عام ظاهر می‌شود. جهان‌گیری هم همزمان با فرماندهی ستاد اقتصاد مقاومتی به دنبال آن است که سیدمحمد خاتمی را در عکس یادگاری کنار سران نظام بنشانند، سلفی سیاسی بگیرد.

باید به دولت کمک کرد؛ این وظیفه ملی ماست. دولت ضعیف است و باید او را به قوت و قدرت کشاند. هرکسی کاری از دستش برمی‌آید، باید برای سرفرازی دولت سرشکسته انجام دهد؛ چون مساله‌ها خیر، مساله زندگی مردم مظلوم است که به‌شدت به خطر افتاده است.

اما سیاسیون، سلبریتی‌ها و جریان‌سازهای حزبی - بخوانید هواسازها- یادشان نرود که در این روزهای کوچک و خیابان، آدم‌های بسیاری هستند که زیر لب دعا می‌کنند «خدایا این دو سه سال باقی مانده از دولت را به خیر از سر ما بگذران!»

